

پیشرفت فرهنگی و آسیب‌شناسی اشتغال زنان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰

تکتم دیوانداری^۱، کبری پورعبدالله^۲

چکیده

یکی از شاخص‌های پیشرفت فرهنگی، میزان اشتغال زنان است. با توجه به جواز اشتغال زنان و اینکه اشتغال مستلزم خروج از منزل است، این مقاله ضمن آسیب‌شناسی اشتغال زنان در صدد تبیین وضعیت مطلوب اشتغال زنان با رویکرد پیشرفت فرهنگی منطبق با عرف و ارزش‌های دینی جامعه و با هدف رسیدن به حیات طیبه است تا تعارض موجود میان اشتغال زنان و وظایف مادری و همسری را مورد بررسی قرار دهد. در شرایط کنونی جامعه، اشتغال زنان در خارج از منزل اولویت یافته است که معضلاتی را به همراه دارد، از جمله وظایف مادری و همسری ایشان را متأثر می‌سازد. از این رو، با توجه به پیشرفت فرهنگی منطبق با فرهنگ ایرانی-اسلامی، وضعیت مطلوب آن است که اشتغال زنان از اولویت مطلق خارج شود. این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی-توصیفی تدوین شده است.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، پیشرفت فرهنگی، تحکیم خانواده، آسیب‌شناسی، وضعیت مطلوب.

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: t.divandari@gmail.com

۲. استادیار فقه و اصول، عضو هیئت علمی و مدیر گروه فقه و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

Email: Poorabdellah_k@yahoo.com

بومی کردن شاخص اشتغال زنان و الگوی برنامه‌ریزی مطابق با فرهنگ و ارزش‌های دینی با هدف رسیدن به حیات طیبه از اهمیت بالایی برخوردار است. تفاوت‌های جسمانی و روانشناختی زنان و مردان و تفاوت بین بافت دینی- فرهنگی جامعه اسلامی ما با جوامع غربی، از مواردی است که اشتغال بانوان در جامعه ما را از جوامع اروپایی متمایز می‌سازد. جواز اشتغال زنان و نیاز جامعه از سویی و وظایف مادری و همسری زنان و مؤلفه‌های حیات طیبه و پیشرفت فرهنگی از طرف دیگر، جامعه را با تناقضی روبرو می‌کند که تأثیر دیدگاهی در بحث پیشرفت فرهنگی جامعه اسلامی دارد.

پیشرفت واقعی، موزون و پایدار در کشور بدون حضور زنان در میدان‌های اجتماعی متصور نیست، ولی در کنار فوایدی چون رشد شخصیت زن و کمک به اقتصاد خانواده و جامعه و... به دلیل داشتن آسیب‌های جدی در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی، نمی‌توان از این موضوع به سادگی گذشت. این نگاه، ضرورت انجام این پژوهش را روشن می‌کند.

هدف اصلی این نوشتار، ارزیابی آثار مثبت و منفی اشتغال زنان با رویکرد پیشرفت فرهنگی و محدودیت‌های ناشی از وظایف همسری و مادری و در نهایت خارج کردن اشتغال زنان از اولویت است که باید مطابق با فرهنگ اسلامی- ایرانی، قوانین و باورهای دینی و اخلاقی مربوط به آن در قالبی جدید بیان شود.

این مقاله در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که وضعیت کنونی اشتغال زنان از نظر فقهی و حقوقی، جامعه‌شناسی و روانشناسی چه آسیب‌هایی دارد؟ با پاسخ به این پرسش می‌توان تعارض میان اشتغال زنان و وظایف مادری و همسری ایشان را بررسی کرد و ارتباط آن را با پیشرفت فرهنگی یافت. در وضعیت موجود، ترجیح با اشتغال زنان در خارج از منزل است که با تهدیدهایی روبرو است. تضعیف بنیان خانواده، اخلاص در تربیت فرزند، ادا نشدن حقوق شوهر و برخی آسیب‌های روحی و جسمی، از جمله این تهدیدها می‌باشد. از این رو، با اهتمام به سبک زندگی اسلامی- ایرانی و انتظارات دینی و هنجاری جامعه ایران، وضعیت مطلوب آن است که اشتغال زنان از اولویت مطلق، خارج و به سمت پیشرفت فرهنگی که همان حیات طیبه است، حرکت کند.

در زمان‌های گذشته رسم چنین بود که زن در منزل به خانه‌داری و شوهرنیز در بیرون از منزل به کسب و کار مشغول و این‌الگو، نمونه بارز خانواده آرمانی ایرانی بود. با پیشرفت‌هایی که پس از سال ۱۹۷۰ در ایران و جهان حاصل شد، نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی افزایش یافت و در بیشتر شهرها، زنان برای کار از خانه خارج شدند که حرکتی خلاف جهت رسوم قدیم بود؛ گویی کمر همت بر نابودی سنن بسته شده بود. بدین ترتیب موضوع اشتغال زنان به طور جدی مطرح و قانون‌گذاران را ناگزیر از وضع قانون در این مورد نمود.

مطالعات متعددی درباره تحلیل موقعیت زنان و میزان اشتغال آنان و نقش زنان در توسعه کشور انجام شده که هدف اصلی آنان، دستیابی بیشتر زنان به اشتغال است و با نگاه توسعه اقتصادی و اجتماعی به این موضوع نگریده شده است. در این‌گونه مطالعات، وظایف مادری و همسری او با شاخص‌های بومی پیشرفت فرهنگی و رسیدن به حیات طیبه نادیده گرفته شده و یا بسیار کم‌رنگ است و اشتغال زنان در داخل یا خارج منزل، مؤلفه توسعه اقتصادی به شمار آمده است. مهم‌ترین یافته این پژوهش‌ها، گسترش و فراهم نمودن زمینه اشتغال زنان بدون بررسی عرف و فرهنگ و ارزش‌های دینی جامعه ایرانی بود. (حیدری شیخ‌طیعی، ۱۳۹۲؛ ملک‌زاده، ۱۳۸۹؛ شاطری، ۱۳۹۳) مقاله محمدی با عنوان «چارچوب مفهومی نقش زن در توسعه از منظر اسلامی» به جایگاه توسعه در قرآن و نقش زنان در توسعه اسلامی پرداخته که مهم‌ترین یافته آن، قرار گرفتن زن و مرد در جایگاه اصلی خود و احترام به موقعیت یکدیگر است که همان مسیر پیشرفت اسلامی است. این مقاله بحث اشتغال زنان و ارتباط آن با پیشرفت فرهنگی را به صورت خاص مطرح نکرده است (محمدی، ۱۳۹۳). مقاله نیک‌فرجام نیز به بررسی جهاد زن با رویکرد جهاد اقتصادی پرداخته که مهم‌ترین یافته آن این است که بهترین نقطه جهاد اقتصادی، خانواده و ریشه اصلی آن زن است و حضور زن در خانه و خانواده، مقرون به صرفه می‌باشد (۱۳۹۲). پژوهش‌های بسیاری نیز درباره اشتغال زنان وجود دارد که از ابعاد مختلف فقهی، حقوقی، بین‌المللی و... بررسی شده‌اند (خورسندیان، ۱۳۹۰؛ صفارنیا، ۱۳۸۹؛ ملک‌زاده، ۱۳۸۹؛ روشن، صادقی، حسینی، ۱۳۹۳)، در حالی که مقاله حاضر با روش تحلیلی و توصیفی و با تکیه بر الگوی اسلامی - ایرانی برای دستیابی به حیات

طیبه، چالش‌های اشتغال زنان را واکاوری کرده و ضمن تبیین وضع موجود و آسیب‌شناسی آن با استفاده از علوم روانشناسی و جامعه‌شناسی، وضع مطلوب اشتغال زنان را به تصویر می‌کشد. این نوشتار با نگاهی دوباره به جایگاه خانه‌داری و ارزش همسری و مادری، از اشتغال و مفید بودن بانوان جامعه بازتعریفی ارائه می‌نماید که این امر، از جنبه‌های نوآوری و وجه تمایز آن می‌باشد.

پیش از ورود به بحث اصلی پژوهش، با توجه به تعاریف مختلف اشتغال زنان و پیشرفت فرهنگی، تعاریف عملیاتی این دو مفهوم ارائه می‌شود. منظور از اشتغال زنان، مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که با هدف کسب درآمد و یا انجام اعمال عام‌المنفعه، زنان بخشی از زمان خود را به آن اختصاص می‌دهند و به دلالت التزامی اشتغال، بیشتر بیرون از خانه می‌باشد. پیشرفت فرهنگی نیز فرآیندی است که از درون جامعه تولید می‌شود و با شناخت عمیق باورها و ارزش‌های دینی و عرف محلی جامعه همراه است و جامع‌ترین تعریف آن، حیات طیبه، دنیا و آخرت و ماده و معنا را باهم داشتن (ر.ک: نحل: ۷۹) است. اگر زیرساخت‌های فرهنگی نادیده گرفته شود و فقط الگوبرداری از مدل‌های بیگانه صورت پذیرد و با واقعیت‌های جامعه تطابق نداشته باشد، بی‌هویتی و ازهم‌گسیختگی در خانواده و -به دنبال آن- در جامعه را گسترش می‌دهد. به کار بردن اصطلاح «پیشرفت فرهنگی» به جای «توسعه فرهنگی» که دارای بار معنایی ویژه‌ای است و توسعه فرهنگ غرب را به همراه دارد، موجب حل بسیاری از مشکلات می‌گردد؛ زیرا پیشرفت فرهنگی می‌تواند منطبق با فرهنگ ایرانی و اسلامی بوده، با بهره‌گیری از فقه در گسترش خود، سعی در تطبیق اشتغال زنان با فرهنگ بومی مردم مسلمان ایران و تقویت بنیان خانواده دارد. از این رو، در این پژوهش به جای «توسعه فرهنگی» از اصطلاح «پیشرفت فرهنگی» استفاده می‌شود.

۲. تبیین وضع مطلوب اشتغال زنان

۲-۱. دیدگاه کلی اسلام در مورد اشتغال زنان

درباره اشتغال زنان، ابتدا باید کسب جواز و حرمت بررسی شود و در مرحله بعد، بر فرض جایز بودن باید مطلوبیت و عدم مطلوبیت این پدیده مورد توجه قرار گیرد. ممکن است

موضوع اشتغال زنان از نگاه فقه حکومتی و از منظر سیاست‌گذاری حکومت برای جامعه مطرح شود که با فقه فردی تفاوت دارد. در نگاهی کلی، اسلام با کار زنان با شرایطی که برای آن مقرر شده، مخالف نیست، اما در تعارض میان کار زنان و ارزش‌های مهم و بنیادی‌تر، نگاه اسلام به کار زنان متفاوت خواهد بود. سعی بر آن است که در کنار کار زنان، ارزش‌های بنیادین و اساسی صیانت و حمایت شود. در اسلام، قاعده «تزامم» و «اهم و مهم» وجود دارد که اگر میان اهم و مهم تضام پیدا شود، از نظر شرعی، عقلی و نقلی، اهم مقدم بر مهم است. با همین قاعده، ارزش‌ها و نهادهایی مثل خانواده، که در اسلام دارای اهمیت بنیادین‌اند، صیانت می‌شوند و حفظ آنها در درجه اول اهمیت قرار دارد.

۱-۱-۲. دیدگاه مخالفان اشتغال

بیشتر فقهای اهل سنت و برخی فقهای شیعه، بر کار کردن زن در خانه، شوهرداری و تربیت فرزندان تأکید کرده‌اند و اشتغال زنان را جایز نمی‌دانند. مهم‌ترین ادله مخالفین اشتغال زنان به اختصار عبارتند از:

الف) قرآن: آیه ۳۴ سوره نساء که مطلق است و مربوط به زوجین است و بر زنان است که در کارهایی که مربوط به تمتع است، اطاعت کنند (از قبیل اذن خروج از منزل برای اشتغال). از این آیه برداشت می‌شود که راه مورد پسند اسلام در زندگانی زن، تدبیر منزل و خانه‌داری و تربیت اولاد است. دیگر آنکه یکی از سنن واجبه در اسلام، جلوگیری از جهاد زنان است، مانند قضاوت و ولایت. برداشت سوم از آیه آنکه اسلام محرومیت‌های زنان را بدون جبران به مثل نگداشته، بلکه کمبود آن را به معادل آن در فضیلت و مزیت تدارک نموده. برای نمونه شوهرداری نیک‌ورا معادل جهاد قرار داده است (طباطبایی، ۱۳۶۲، ۸/۳۶۵-۳۷۴).

ب) روایات: «النساء عورة ابحسوهن فی البیوت؛ زنان عورتند، آنان را در خانه حبس کنید» کلینی، بی‌تا، ۳۲۷/۵. همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «رسول خدا کارهای داخل منزل را به فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون را به علی علیه السلام سپرد» (دشتی، ۱۳۷۲، ۱۶۸).

ج) عقل عرفی: این مطلب هم روشن است که زن اگر به کاری در خارج از خانه مثل ادارات مشغول شود، افزون بر دوری فرزند از مهرمادری به مقدار نیاز، به شکل صحیح تربیت نمی‌شود و در نتیجه پایگاه الفت و محبتش با اشخاصی در خارج خانه شکل می‌یابد

که آسیب‌های آن بر هیچ عاقلی پوشیده نیست. همچنین با توجه به تأثیر اشتغال زنان بر وظایف مادری و همسری، ضرورت وجود مادر در منزل محسوس است.

د) نظرات فقیهان: مهم‌ترین ادله فقیهان مخالف با اشتغال زنان عبارتند از: اهمیت تربیت فرزندان، برخورد حضور زن در بیرون از خانه با حقوق شوهر، تکلیف تأمین نیازهای زنان از جمله مهریه و نفقه بر مرد، عدم اختلاط زن و مرد، حفظ بنیان خانواده و حفظ ویژگی‌های زنانه (حسینی یزدی، ۱۳۸۱؛ جعفری، بی‌تا؛ الصراف، ۱۳۸۰). لازمه این ادله، این است که زن شاغل نباشد، وگرنه این ادله، دلالت مستقیم بر عدم اشتغال زنان ندارند.

۲-۱-۲. دیدگاه موافقان اشتغال

علمای شیعه اشتغال زنان در خارج از خانه را مشروط و در شرایط خاص، حق زن دانسته، آن را به رسمیت شناخته‌اند و در کنار آن، به حیثیت و شخصیت زنان نیز توجه نموده‌اند و بحث خانواده و همسر داری را در اولویت قرار داده‌اند. از جمله این ادله عبارتند از:

الف) قرآن کریم: آیه ۳۲ سوره نساء که استدلال این آیه بر واژه «اکتسب» می‌باشد. واژه «کسب» به معنای «طلب رزق» و «به دست آوردن فایده» برای خود و دیگری است و از اکتساب، عام‌تر است. مقصود از نصیب، بهره‌ای است که هرکس نسبت به درآمدهای خود از کشاورزی، تجارت و مانند آن می‌برد (طباطبایی، ۱۳۶۲، ۴/۳۵۸-۳۵۹؛ طوسی، بی‌تا، ۳/۱۸۵؛ طبرسی، ۱۴۰۶، ۳/۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۲/۱۶۳). آیه دهم سوره جمعه نیز به‌طور عام دلالت بر جواز اکتساب دارد (طباطبایی، ۱۳۶۶، ۳۸/۱۹۷).

ب) روایات: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة؛ به دنبال روزی حلال رفتن، بر هر مرد و زن مسلمان لازم است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۸/۱۰۲). توصیه‌های دال بر فضیلت «طلب مال حلال» و «کسب و کار به دست خود» از این قبیل می‌باشد (محمدی ری شهری، ۱۳۶۳، ۸/۳۸۸ - ۳۸۵).

ج) سیره: در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام نیز زنان مسلمان، به مشاغل گوناگونی چون تجارت، صنایع دستی، ریسندگی و بافندگی، چوپانی اشتغال و از آنها درآمد داشته‌اند. این کار آنان از سوی بزرگان دین مورد نهی قرار نگرفته است (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۶/۹؛ حر عاملی، بی‌تا، ۱۲/۹۳). اشتغال حضرت خدیجه به تجارت در تاریخ اسلام شاهد

خوبی براین دلیل است (روشن فر، ۱۳۸۲).

د) عقل: برای رسیدن به هدف، از وسایلی استفاده می‌شود. استفاده فرد از قوای جسمی و روحی و استعداد‌های گوناگون مادی و معنوی خویش، اگر برای رسیدن به هدف اعلی اخلاقی باشد، مشروع و مجاز است. انسان بدون کار کردن همانند دیگر نیازهای اولیه، به اهداف اخلاقی و اجتماعی خود نخواهد رسید و از این رو، حق کار کردن، از حقوق فطری و مستقلات عقلی زن و مرد است و اگر از آن محروم گردند، هدف خدای متعال از آفرینش تحقق نمی‌یابد.

ه) نظرات فقیران: مشهور فقهای شیعه، حضور زن در فعالیت‌های اقتصادی را نفی نکرده‌اند و با اشتغال زنان موافقت حکمی دارند، هرچند با توجه به دلالت التزامی آیات و روایات، اولویت را به خانواده و همسر داری داده‌اند (الماوردی، ۱۹۶۶، ۶۵، به نقل از الصراف، ۱۳۸۰؛ خمینی، ۱۳۶۱، ۱۷۲/۲۱؛ مطهری، ۱۳۸۴؛ جوادی آملی، ۱۳۷۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ۵۸۶/۲؛ مغنیه، ۱۹۶۵، ۲۶۴/۴؛ خامنه‌ای، به نقل از حیدری شیخ طبری، ۱۳۹۲، ۸۰۶/۲؛ تاجیک، ۱۳۹۱، ۹۱). اهم ادله ایشان به این شرح است: استقلال مالی زن نسبت به درآمد خویش، عدم تکلیف در تأمین مخارج خانواده، حقوق عادلانه و برابر زن و مرد، و نه حقوق مساوی.

با بررسی ادله مخالفان و موافقان به این نتیجه دست می‌یابیم که این دلایل معارض نیستند و قابل جمع‌اند و مشغول شدن زن در خانه، سنت و مطلوب است. از ادله موافقان نیز استفاده می‌شود که بیرون رفتن زن از خانه و حضورش در اجتماع و اشتغالش با رعایت موازین شرعی، مانعی ندارد، بلکه گاهی لازم و ضروری است؛ برای مثال، زنی که شوهرش فوت کرده و برای امرار معاش فرزندان باید در بیرون از خانه کار کند. بنابراین، اشتغال زنان به خودی خود، امری مباح است و جمع مباح و مستحب به این است که اگر زن بین اشتغال در بیرون و کار در خانه، مخیر باشد، مستحب است که کار در خانه را برگزیند و اگر مصلحت جامعه اقتضا کند که زن در بیرون از خانه شاغل شود، استحباب کار در خانه از بین می‌رود؛ چراکه مستحب توان مقابله با واجب را ندارد. از سوی دیگر، اگر در مشاغلی مثل قضاوت دلیل بر حرمت شاغل شدن زن اقامه شود، زن نباید در این مشاغل، شاغل شود و اجتهاد در مقابل نص معنا ندارد (خیری، ۱۳۸۵؛ نوری، بی تا).

۲-۲. رویکرد قوانین ایران در مورد اشتغال زنان

قوانین جمهوری اسلامی ایران، اشتغال زنان را با رعایت شرایطی به رسمیت شناخته است. در اصل ۲۸ قانون اساسی، هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. این اصل با تعبیر «هر کس» حکم عامی را بیان نموده و بین زن و مرد فرقی قائل نشده است. تعبیر «حقوق زن در تمام جهات» در اصل ۲۱ قانون اساسی نیز عام است و یکی از مصادیق آن، حق اشتغال است.

مطابق با قانون اساسی هیچ زن شاغلی را به دلیل خدمت در دستگاه اداری، از تسهیلات لازم برای ایفای نقش مادری و همسری نمی‌توان منع نمود (باقری، ۱۳۸۲). مجلس خبرگان قانون اساسی در تبیین فلسفه وضع این اصول چنین می‌گوید:

در زندگی ماشینی، زن‌ها از محیط خانواده به محیط کار جذب می‌شوند و خانواده را تضعیف می‌کند... البته زن می‌تواند تا حدی کار کند که لطمه‌ای به حقوق بچه‌ها نزند و با وظایف مادری و شوهرداری منافاتی نداشته باشد. جذب شدن در محیط کار، به طوری که عواطف بین شوهر و زن، تربیت اولاد به کلی از بین برود، باید جلوی این گرفته شود (اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸، ۴۴۰؛ شیرودی، ۱۳۸۵، ۱۴۲).

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی و ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۵۳) ضمن تصریح جواز اشتغال زنان، به زوج حق داده از اشتغال زوجه در شرایطی جلوگیری نماید. مطابق مفاد ماده ۲ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نه فقط اشتغال، حق زنان است، بلکه لازمه تحقق «عدالت اجتماعی» و «تعالی جامعه» است و در مواد ۴ و ۵ آن نیز فراهم نمودن شرایط مطلوب و تسهیلات لازم برای زنان در مسیر ایفای وظایف مادری و کاری تأکید شده است. (آرتیندار، ۱۳۷۹)

افزون بر این، در قوانین دیگری نیز به صراحت بر حق اشتغال و حقوق زنان شاغل اشاره شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود؛ قانون خدمت نیمه‌وقت بانوان (مصوب ۱۳۶۲)؛ ماده ۳۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۶)؛ ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)؛ ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۴) و... .

۲-۳. ضوابط کلی و محدودیت‌های اشتغال زوجه از منظر فقه و حقوق

از دیدگاه اسلام، هدف از اشتغال فقط دستیابی به اهداف اقتصادی نیست. اشتغال در اسلام بخشی از نظام کلی اجتماعی است که در کنار آن، باید اهداف معنوی، اخلاقی و دینی فرد و جامعه در مسیر تعالی و کمال تأمین گردد. فقه اسلامی ضوابط و معیارهایی کلی را برای اشتغال بیان کرده است. (حرعاملی، بی تا، ۱۲/۴۳-۴۲؛ زیبایی نژاد، ۱۳۸۸). اصل ۲۰، ۲۱ و ۲۸ قانون اساسی نیز به عدم مخالفت شغل با احکام و موازین اسلامی و مصالح عمومی و حقوق دیگران اشاره کرده و ماده ۹۷۵ قانون مدنی و ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز به عدم مغایرت شغل با نظم عمومی و اخلاق حسنه پرداخته و محدودیت‌های عمومی اشتغال زنان را بیان می‌دارد. همچنین قانون برای اشتغال زن به‌طور خاص محدودیت‌هایی را پیش‌بینی کرده از جمله: ممنوعیت قضاوت، محدودیت اشتغال در نیروهای مسلح، محدودیت‌های ناشی از زوجیت (ماده ۱۱۱۷ و ۱۱۰۵ ق.م.، ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۵۳) که در ادامه خواهد آمد.

۲-۳-۱. تعارض نداشتن شغل زن با نقش‌های اختصاصی همسری

زوجه‌ای که با عقد دائمی به زوجیت درآمده باشد و تمکین کامل از شوهر داشته باشد، مستحق نفقه است. (موسوی خمینی، ۱۴۰۹/۲/۳۱۳) برای انجام این تکلیف مرد، مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ و ۱۱۰۸ قانون مدنی وضع شده و در ماده ۱۲۰۵، دادگاه اجازه برداشت از اموال شوهر را برای ضمانت اجرای آن داده است. زن هیچ تکلیفی در تأمین مالی فرزندان و شوهر ندارد و او باید تکالیف قانونی‌ای که برای استحکام بنیاد خانواده در شرع و قانون وضع شده و نقش محوری تری دارد، انجام دهد. به دلالت مطابقی، ضرورت حضور مرد در خارج از منزل برای اکتساب اعم از نفقه زن و اقارب مهریه و اجرت‌المثل... ثابت می‌گردد و به دلالت التزامی، ضرورت حضور زن در منزل برای ادای حقوق غیرمالی شوهر و وظایف مادری ثابت می‌شود. هرگاه اقدامات زن در امور مالی با حقوق شرعی و قانونی زوج مغایرت داشته باشد، اطاعت از شوهر واجب است و باید رضایت شوهر را تحصیل نماید. اقدام به فعالیت تجاری، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، مستحب است و واجب بر مستحب تقدم دارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹/۲/۱۱۲؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶/۱۲/۱۳۹؛ موسوی

خمینی، ۱۴۰۹/۲/۲۹۸-۳۲۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۳/۱۵/۵۴؛ انصاری شیرازی، ۱۴۲۸/۱/۴۰۶).

ریاست شوهر بر خانواده، لزوم تمکین زن در مقابل مرد، اطاعت از شوهر و عدم خروج از منزل بدون اجازه همسر، از جمله حقوق شوهر است. از این رو، اشتغال زن در خارج از خانه و حتی کار داخل منزل نیز نباید تنافی با این حقوق داشته باشد. از آثار ریاست مرد بر خانواده این است که وی می‌تواند با اشتغال زوجه مخالفت نماید. از ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی چنین برمی‌آید که زوج فقط می‌تواند از اشتغال همسر به مشاغل خاص به دلیل تنافی با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین جلوگیری نماید. حتی که قانون‌گذار در ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ برای زوج پیش‌بینی نموده نیز در همین حد است. در این قانون، افزون بر قید «تأیید دادگاه»، باید به دو نکته مهم دیگر نیز توجه نمود؛ یکی حق زوجه در مخالفت با شغل همسر و دیگری، عدم اختلال در معیشت (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵).

ضابطه روشنی در مورد اینکه چه شغلی با مصالح خانواده منافات دارد، در قانون نیامده و دادگاه در این مورد تصمیم می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۸). با این حال، اموری چون سستی بنیان خانواده و اختلال در آرامش بخشی آن (ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی؛ روم: ۲۱؛ اعراف: ۱۸۹) و اختلال در نگهداری و تربیت فرزندان (ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی) می‌تواند ضابطه و معیار ناسازگاری شغل زن با مصالح خانواده باشد (حراعلی، بی‌تا، ۲/۱۴). مرجع تشخیص مغایرت شغل زن با مصالح خانواده و حیثیات زوجین، دادگاه است (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۲۳۳).

مطابق با ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی و آیه ۳۴ سوره نساء «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است». اشتغال زنان نیز مطابق با تعریفی که گفته شد، ملازم با خروج وی از خانه است و به نظر می‌رسد با این حق شوهر در تعارض باشد. مشهور فقها معتقدند که خروج زن از منزل به صورت مطلق نیاز به اجازه شوهر دارد و بدون تقیید آن، به منافات داشتن آن با استمتاع حکم نموده‌اند (حلی، ۱۴۱۵، ۲۸۰/۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ۲۰/۲۳۱۴؛ خویی، بی‌تا، ۱۷۶/۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۲، ۸۰/۳۶۶؛ مطهری، ۱۳۸۴). بنابراین، چنانچه زن در هنگام ازدواج، شاغل نبوده و با شرط اشتغال، ازدواج انجام نشده باشد، شوهر می‌تواند زن را از اشتغال به هر حرفه‌ای در بیرون خانه منع کند، ولی اگر زن هنگام ازدواج شاغل بوده و عقد همسری مبنی بر ادامه آن انجام گرفته و یا ضمن عقد، شرط اشتغال شده باشد و یا بعد از ازدواج، اذن اشتغال زن را داده باشد، زوج نمی‌تواند او را از ادامه شغل منع نماید (محقق داماد، ۱۳۷۴؛ امامی، ۱۳۶۶، ۲/۱۷)؛

حایری شاه باغ، ۱۳۷۹). بعضی دیگر معتقدند: «اختیار شوهر حتی شامل مشاغل انتخاب شده پیش از ازدواج نیز می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۸). درهرحال، خروج به دلیل موجه، مستلزم نشوز نمی‌باشد و برای ممانعت از اشتغال، باید شروط مندرج در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی وجود داشته باشد. پس شوهر می‌تواند با شغل زن مخالفت کند، ولی با اشتغال وی خیر (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۱، ۳۳۳). از سوی دیگر با توجه به عقل عرفی، یکی از آسیب‌های اشتغال این است که زن به دنبال اشتغال، آزار جسمی و روحی دیده، در معرض آن است که نتواند حسن معاشرت و خلق نیکو در ارتباط با همسر و فرزندان را به کار بندد و این نکته، مکرر تجربه شده است.

۲-۳-۲. تعارض نداشتن شغل زن با وظیفه مادری

زن در نظام خانواده، نه فقط از نظر تکلیف شرعی ولایتی بر فرزند ندارد، بلکه ولایت بر حضانت هم ندارد (خوبی، بی تا، ۵/۱۱؛ حرعاملی، بی تا، ۱۹۴/۱۲؛ حلی، ۱۴۱۱، ۵/۳۸). زن در مراحل بعدی رشد و پرورش جنین و شیردهی و نگهداری و تربیت کودک نقش اساسی تری دارد. حضانت به معنی سرپرستی و ولایت بر تربیت فرزند و مراقبت و حفاظت از طفل و... است و به طور معمول، زنان بهتر از مردان این کار را انجام می‌دهند. تربیت با دو عنوان فقهی «حضانت» و «ولایت بر کودک» ارتباط تنگاتنگی دارد. اگر مادر با رضایت حضانت را اختیار نمود، از همان موقع مکلف به حضانت طفل می‌شود و اولویت با مادر است (انصاری شیرازی، ۱۴۲۸، ۳/۲۶۴-۲۶۶) و باید مقررات و تکالیف مربوط به آن را هم انجام دهد که اقتضای انجام آن وظایف، حضور زن در منزل است.

در جواهر، رضاع که اخص از حضانت است، بر عهده مادر و تکلیف تربیت، مساوی بین آن دو می‌باشد (نجفی، بی تا، ۳۱/۲۸۶). مادر به دلیل ویژگی‌های زنانه و دلسوزی مادرانه، سزاوارتر به تربیت و حضانت مدت رضاع فرزند است. پس اگر مدت شیر دادن تمام شود، پدر به پسر و مادر به دختر سزاوارتر است. اگر پدر بعد از انتقال حضانت به او و یا قبل از آن بمیرد، مادر به حضانت فرزند از وصی پدر سزاوارتر است؛ اگرچه ازدواج کرده باشد. با این توضیح، ملاک شایستگی مادر در حضانت و تربیت اولاد نیز تصریح می‌گردد (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ۲/۳۱۲-۳۱۳؛ نجفی، بی تا، ۳۱/۲۹۱).

از ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی نیز چنین استنباط می‌گردد که اگر از نظر پزشکی، شیرمادر

تنها وسیله تغذیه طفل باشد، یا به دلیل عسرت پدر و مادر یا حوادث قهری، امکان تهیه شیر خشک یا غذای مناسب دیگر ممکن نباشد، شیر دادن از تکالیف مادر است و می‌توان اجبار او را از دادگاه خواست و اگر ضرری به طفل برسد، مسئول است (کاتوزیان، ۱۳۸۸). با اینکه از دیدگاه اسلامی، تربیت و رضاع که اخص از حضانت است، از تکالیف مادر به شمار نمی‌آید و فقط با توجه به برخی ویژگی‌های مادر، در اولویت است، ولی در مواد ۱۱۷۶، ۱۱۷۸، ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹ قانون مدنی به تکلیف مادر در رضاع و تربیت و حضانت فرزند اشاره شده است.

با توجه به وظایفی که برای مادر برشمردیم و نیز اولویت حضانت و رضاع فرزندان برای مادر، این مطلب روشن می‌شود که مادر باید فرصت و فراغت لازم برای مراقبت و تربیت کودک را داشته باشد و اشتغال مادر نباید به این امر مهم آسیب برساند. از سوی دیگر، چون در اسلام «برتری تغذیه کودک با شیر مادر و عاطفه مادری» بر سایر موارد، به طور رسمی پذیرفته شده است (حرعاملی، بی تا، ۱۵/۱۷۵-۱۹۲). بنابراین، وظیفه مادری قابل اغماض یا تقلیل نیست و باید شرایط شغلی زنان و مادران تعدیل و با وظایف مادری هماهنگ شود.

۲-۳-۳. تناسب شغل با ویژگی‌های زنانه

یکی از احکام بدیهی عقل این است که باید مشاغل بر مبنای قابلیت به افراد سپرده شود و هر کس برای هر کاری قابلیتش بیشتر باشد، برای تصدی آن شایسته‌تر است. بعضی از شغل‌ها در عین اینکه برای بانوان جایز است، ولی متناسب نیست و طبیعت زنانه را دستخوش تغییر می‌کند. (نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ حرعاملی، بی تا، ۱۴/۱۲۰)

۲-۳-۴. رعایت حجاب، عفاف و عدم اختلاط

رعایت حجاب و پوشش و عفاف در نگاه، گفتار و رفتار برای زنان از ضروریات اسلام است (نور: ۳۱؛ احزاب: ۵۹-۵۳، احزاب: ۳۵-۳۰). همچنین آنان باید از اختلاط و برخورد با مردان نامحرم بپرهیزند (قصص: ۲۳-۲۵)، به ویژه از مکان‌های خلوت با مرد بیگانه باید دوری کنند (حرعاملی، بی تا، ۱۴/۱۳۳). اگر زن بنا به ضروریاتی مانند اداره زندگی، رسیدگی به امور خانواده و یا حمایت از خود و کودکانش به بیرون از خانه آمد، مجاز نیست با دیگران به خنده و مزاح بنشیند (قائم، ۱۳۶۸).

۲-۳-۵. الگوی مطلوب اشتغال زنان از دیدگاه اسلام

برای ارائه الگوی مطلوب اشتغال زنان از دیدگاه اسلام، چند مطلب قابل توجه است. اول اینکه باید نگاه جامعی به آموزه‌های دینی داشت، به گونه‌ای که الگوی اشتغال زنان که پاره‌ای از نظام اجتماعی اسلام است، با سایر اجزا و ابعاد آن هماهنگی کامل داشته باشد. دوم اینکه نباید به گزاره‌های فقهی یا حقوقی بسنده کرد و نکات اخلاقی، تربیتی و روانشناختی نیز در آموزه‌ها و اشتغال باید مورد توجه قرار گیرد. به سیره و روش زندگی اولیای دین نیز باید توجه نمود. آنان اسوه‌های مورد نظر اسلام‌اند که در تحقق عینی، الگوی مطلوب‌اند. نکته مهم دیگر برای ارائه الگوی مطلوب اشتغال زنان، اولویت دادن به مصالح خانواده با رویکرد اجتماعی و تمدن‌ساز و جامعه مطلوب در برابر نگاه فردگرایانه است.

رسول خدا ﷺ کارهای خارج خانه را بر عهده حضرت علی علیه السلام و امور داخل منزل را بر عهده حضرت زهرا علیها السلام قرار داد. هرچند این نکته الزامی نیست، ولی با توجه به اسوه بودن اولیای دین، الگوی مهمی در اشتغال مطلوب زنان است و نشان از روحیه لطیف زنان و لزوم حفظ آن دارد. (جرعاملی، بی تا، ۳۹/۱۲، مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۳۸/۱۶)

۲-۴. آثار شرایط کنونی اشتغال زنان

در دهه دوم انقلاب به دلایل مختلفی چون افزایش نیازهای مادی خانواده‌ها و همچنین اعتماد بیشتر اقبال مذهب و سنتی جامعه به جو حاکم و امنیت عمومی، میزان نیروی کار زنان شاغل شهری از ۸/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱۱/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت (صدرنوی، ۱۳۸۱). خصلت کارکنونی زنان این است که می‌توانند مستقل از شوهر و خانواده در محیطی خارج از خانه به کار پردازند و در کار خود ارتقای شغلی پیدا کنند. حضور زن و فعالیت مستقیم او در جامعه یکی از شاخص‌های اصلی توسعه یافتگی است. جامعه برای اینکه از روند توسعه جهانی عقب نماند، زمینه اشتغال زنان را فراهم می‌کند که تغییر بزرگی برای جامعه ماست. ایجاد هر تغییر بزرگی، نیاز به زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی دارد (شاطری، ۱۳۹۳). تغییر در نقش اجتماعی زنان و حق طلبی آنان در عرصه فعالیت‌های شغلی و اجتماعی باید با بررسی‌های دقیق و علمی روانشناسی و جامعه‌شناسی همراه شود تا جنبه‌های مثبت و منفی آن ارزیابی گردد.

۲-۴-۱. آثار ایجابی و مثبت اشتغال زنان

- حفظ نشاط و شادابی ظاهری و تطبیق خود با شرایط مختلف محیطی و اجتماعی؛
 - احساس رضامندی و افزایش اعتماد به نفس؛ (محتشمی، ۱۳۷۸)
 - افزایش سطح آگاهی اجتماعی و تجربه و برخورداری از ذهنی پویا و فعال؛ (بختیاری، ۱۳۸۸)
 - رسیدن سریع تر فرزندان به استقلال در انجام کارهای شخصی و نیز کمک و همکاری
 - اعضای خانواده در فعالیتهای مربوط به منزل؛ (گیدنز، ۱۳۸۶، ۸۰) احساس تعهد و مسئولیت بیشتر نسبت به خانواده؛ (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰)
 - خارج شدن از رکود و یکنواختی در زندگی و پر شدن اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب پذیری اجتماعی؛ (داعی پور، ۱۳۷۰)
 - استقلال مالی، مدیریت اقتصادی بیشتر و افزایش نسبی رفاه؛ (کله ران، بی تا؛ زیبایی نژاد، ۱۳۸۸)
 - بالا رفتن منزلت اجتماعی زن؛ (کله ران، بی تا)
 - افزایش توان مدیریتی زنان، مشارکت در تصمیم گیری ها و خروج از حالت انفعالی.
- (اسحاقی، ۱۳۸۳؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸)

۲-۴-۲. آثار سلبی و منفی اشتغال زنان

- بروز اشکال در ایفای نقش های زنان در منزل و تحول هویتی و ساختار خانواده و اعتراض به الگوی تقسیم کار جنسیتی، به ویژه جایی که مردان از لحاظ فرهنگی و نوع تربیت خانوادگی خود را موظف به کمک در کارهای منزل نمی دانند؛ (گیدنز، ۱۳۸۶؛ ساروخانی، ۱۳۷۰؛ ملک زاده، ۱۳۸۹)
- پیامدهایی نامطلوب بر رشد و سلامت جسمانی و روانی فرزندان و غفلت از نیازهای تربیتی آنها (ساروخانی، ۱۳۷۰)، در حالی که اگر تعلیم و تربیت نباشد، فرزند مصلحت ملزمه ای را از دست خواهد داد. اموری که اولیای تربیتی به آن امر شده اند عبارتند از: مسایل اعتقادی، ایجاد محبت به پیامبر و اهل بیت و قرآن و تعلیم آن، تعلیم کودکان به علوم و احکام، عادت دادن آنان به مکارم اخلاقی و...؛ (انصاری شیرازی، ۱۴۲۸)
- سست شدن کانون خانواده (قدیر، ۱۳۸۰، ۹۶۴)؛ زنان شاغل، بیشتر توانمندی و خلاقیت خود را در محیط شغلی به کار می گیرند و نمی توانند به شکل مطلوبی در مورد همسر و فرزندان به کار ببرند و انگیزه کافی برای برقراری رابطه کلامی با اعضای خانواده ندارند

(باقری، ۱۳۸۲)، درحالی که زن طبق آیات ۱۸۹ سوره اعراف و آیه ۲۱ سوره روم در آرامش بخشی خانواده نقش ویژه‌ای دارد (طباطبایی، ۱۳۶۲، ۴/۲۳۱). امام صادق علیه السلام نیز درباره حسن معاشرت متقابل زن و شوهر، افزون بر اینکه برخی رفتارها را از سوی مرد ضروری می‌داند، به زن نیز توصیه به عشق‌ورزی و آراستگی ظاهری و جذابیت در برابر دیدگان مرد و مسرور نمودن او می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۸/۲۳۷). صاحب‌جوهر نیز تغییر در رفتار و گفتار و اعمال زن مثل عبوس بودن چهره و خشن شدن کلام و رفتار زن را اماره برنشوز و معارض با استمتاع مرد می‌داند. از این رو حسن معاشرت، مقدمه واجب یعنی مقدمه تمکین عام و خاص می‌باشد و حسن معاشرت نیز مثل تمکین از وظایف زن به شمار می‌آید؛ (نجفی، بی تا، ۳۱/۲۰۵)

- کم میلی به فرزندآوری یا اکتفا به فرزند کمتر و کوچک شدن خانواده گسترده در نسل آتی (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸)، درحالی که بدیهی است در شرع مقدس اسلام، یکی از اهداف تشکیل خانواده، توالد نسل بیان شده که به بنیان خانواده استحکام بیشتر می‌بخشد؛

- بروز اشکال در ایفای نقش جنسی فرزندان (اگر جایگاه پدر در خانواده سست باشد)، محرومیت فرزندان دختر از الگوی جنسیتی مناسب، دوگانگی در تربیت فرزندان و گسترش فساد در جامعه به دلیل کاهش تربیت آمیخته با محبت مادر (قائمی، ۱۳۶۸). توضیح اینکه دختران و پسران هر کدام تربیت متفاوتی را می‌طلبند؛ زیرا هر کدام باید در آینده نقش خاصی را در خانواده و اجتماع پیاده کنند. بنابراین، باید به فرزند دختر و پسر نکاتی ویژه را آموخت که در زندگی آینده نیاز خواهند داشت؛ (حیدری، ۱۳۹۲)

- افزایش سطح چشم‌داشت اقتصادی خانواده، افزایش مصرف‌گرایی و افزایش خطر بازگشت ناپذیری در مواقع از دست دادن شغل؛ (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸)

- پیری زودرس، افسردگی و مشکلات جسمانی و روانی (روشن‌فر، ۱۳۸۲). در فرهنگ جامعه ما که کمک کردن مردان به زنان در خانه نهادینه نشده، بانوان شاغل فشار مضاعفی را تحمل می‌نمایند؛ (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸)

- محدودیت رفت و آمد و ارتباط با بستگان و دوستان و انزوای اعضای خانواده؛ (باقری، ۱۳۸۲)

- احساس بیهودگی و بی‌ارزشی، به ویژه اگر از سوی همسر یا فرزندان حمایت کافی

صورت نپذیرد؛

- تغییر در ارزش‌ها و اولویت‌ها و انتظاراتها و تفکرات و ویژگی‌های زنان؛ (صدیق اورعی، ۱۳۷۵، ۵۲/۱۶)
- بیکاری مردان و افزایش آسیب‌های اجتماعی از قبیل افزایش بیکاری و مزاحمت برای نوامیس؛ (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ۵۸-۶۶)

- انگیزه کمتر برای ازدواج و شیوع مجردزیستی و سخت کردن شرایط ازدواج؛ (علاوند، ۱۳۹۰، ۲۷۹)

- توسعه مشاغل جایگزین خانواده از قبیل مهد کودک‌ها، رستوران‌ها، شرکت‌های خدماتی و... در این صورت اشتغال رسمی افزایش می‌یابد و به غلط، بهبود وضع اقتصادی تفسیر می‌شود. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ۳۹-۶۸)

در بین پیامدهای اشتغال زنان در وضعیت موجود جامعه، بیشتر پیامدهای منفی و برخلاف برخی از سفارش‌های اسلام، درباره نقش‌ها و شؤون زنان در خانواده است. نقش‌های پراهمیت زنان در محیط خانواده آن قدر مهم است که نمی‌توان آن را با هیچ نقش دیگری مقایسه کرد. اگر شاخص‌های اشتغال زنان بر اساس متون دینی طراحی گردد و آسیب‌ها و آفت‌های اشتغال زنان شناسایی شده، تدابیری برای رفع آن اندیشیده شود، پیامدهای منفی این اشتغال کاهش خواهد یافت.

۳. آسیب‌شناسی اشتغال زنان و تأثیر آن بر پیشرفت فرهنگی

در اثر پیشرفت خیره‌کننده علوم تجربی در زمینه‌های مختلف حیات بشری، موضوعات جدیدی در زندگی بشر پدید آمده که در گذشته خبری از آنها نبود. به همین دلیل بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله علیه سخن از فقه پویا به میان آورد، تا جایی که می‌توان بر حسب مصلحت وقت، حکم حکومتی از سرچشمه ولایت صادر کرد. جواز اشتغال زنان نیز از احکام اولیه است که می‌توان با توجه به بالا گرفتن پیامدهای منفی آن و مصالح وقت، حکم حکومتی منع اشتغال زنان را صادر نمود که لازم الاجرا و مانند شریعت دارای اعتبار می‌باشد. فرهنگ اسلامی- ایرانی، خانه‌داری را شغلی بسیار مهم می‌داند و دیگر نقش‌های زن را در سایه دو وظیفه مهم مادری و همسری تعریف می‌کند؛ زیرا این نقش‌ها، برخلاف دیگر وظایف تعریف شده در جامعه، هیچ جایگزینی ندارند. افزون بر این، فرآیند مهم تربیتی،

عاطفی و اخلاقی نیز منوط به حضور مؤثر زن در خانه است. بنابراین، خانه‌داری نه فقط شغل محسوب می‌شود، که در حلقه‌های اقتصادی جایگاه مهمی را به خود اختصاص می‌دهد. یکی از شاخص‌های جهانی توسعه، میزان اشتغال و فعالیت زنان است، ولی فقط یک شاخص مهم نیست، بلکه چندین شاخص در کنار هم اهمیت دارند. این‌گونه نیست که اگر در کشوری، اشتغال زیاد شود، آن کشور از نظر جهانی در مرحله توسعه یافتگی است. اگر شاخص‌هایی برای توسعه یافتگی مطرح شد، باید بررسی شود که چگونه می‌توان آنها را در جامعه و فرهنگ خود به کار بست. بنابراین، باید شاخص‌های جهانی را در جامعه خود و در کنار فرهنگ خود در نظر داشت. از نظر ارزش‌ها، کشور ما با کشورهای توسعه یافته نزدیک نیست و شاخص‌ها و ضوابط آن باید با فرهنگ و اعتقادات ما ارزیابی شوند. در اشتغال زنان، آسیب‌هایی وجود دارد و هزینه‌هایی باید پرداخت شود. اگر برنامه‌ای در کشور اجرا شود که در جامعه دیگری اجرا شده و در جامعه ما هنوز بستر آن آماده نیست، با هزینه‌های بسیار و آسیب‌های اجتماعی ناگواری روبه‌رو خواهیم شد.

امروزه در غرب، نظریه‌های توسعه، با مشکلات جدی نظری مواجه شده‌اند. یکی از این اشکال‌ها که به نظریات توسعه وارد می‌شود، کمیت‌گرایی توسعه بدون توجه به ماهیت و جهت افزایش کمیت است. در کشور ما، برخی شاخص‌های فرهنگی وجود دارد که ممکن است در الگوهای توسعه، ارزش‌گذاری نشده باشند، اما برای ما کاربرد فرهنگی داشته باشند. از این رو، نخستین گام، بومی کردن شاخص اشتغال زنان و الگوی برنامه‌ریزی مطابق با فرهنگ و ارزش‌های دینی است. زنان در فرهنگ ما، بودن در کنار خانواده را بر اشتغال ترجیح می‌دهند و خانواده را اصل می‌دانند. پس اشتغال نیز باید بر همین مبنا تنظیم شود. این مسأله، به بسیاری از حوزه‌های دیگر همچون حقوق، برنامه‌ریزی و مهم‌تر از همه، به فرهنگ‌سازی سرایت می‌کند. این به معنی محرومیت زنان از مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی نیست. اگر شرایطی برای کار زنان فراهم شود که بتوانند در کنار خانواده به فعالیت بپردازند، هم شاغل‌اند و هم آسیب‌های اجتماعی کمتری بر پیکر خانواده وارد می‌شود. در این صورت، بین شاخص‌های بین‌المللی توسعه و فرهنگ خودی، جمع کرده‌ایم.

در واقع، مشکل نظریه‌های اجتماعی به تعارض آنها با هم برمی‌گردد، مانند تعارض

محیط کار مرد با زن یا محیط کار مرد با محیط زندگی. در چنین وضعیتی توصیه‌های اخلاقی کارساز نیست و باید با برنامه‌ریزی پیشرفت برای جامعه کنونی، پذیرفتنی نیست که برای همه زنان و به صورت تمام وقت شغل ایجاد شود و آنان به چنین حضوری در جامعه تشویق شوند. باید فرصت‌های شغلی به تدریج و به صورت پاره‌وقت ایجاد شوند تا زنان، هم استقلال مالی داشته باشند و هم توانایی‌های خود را بسنجند و بروز دهند.

حضرت امام خمینی علیه السلام زن را با حفظ موقعیت و نقش‌های مختلف خانوادگی و نیز کرامت و منزلت انسانی او در جامعه مطرح نمود و در مرکز فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی قرار داد و پرچم بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی را به آنان سپرد، ولی این مشارکت را در طول وظیفه مادری و همسری تعریف می‌کرد. ایشان اشتغال زنان را تا حدی مجاز می‌دانست که به خانواده لطمه نخورد؛ چرا که زن را مربی جامعه می‌دانست و ارزش تربیت فرزند جایگزین پذیر نیست (حیدری شیخ طبعی، ۱۳۹۲/۲/۸۰۲).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز اشتغال زنان را قابل قبول و بدون اشکال می‌داند، ولی تأکید دارد در این زمینه باید دو شرط اساسی را رعایت کرد. نخست اینکه اشتغال، کار اساسی زن در خانه و خانواده و مسئولیت مهم همسری و مادری را تحت الشعاع قرار ندهد و دوم اینکه بی‌ارتباطی محرم و نامحرم به خوبی رعایت شود. ایشان برای کمک به زنان شاغل به دولت توصیه‌هایی دادند.

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، افق گسترده‌ای در دستیابی به توسعه پایدار دارد و نیازمند مشارکت تمام اقشار جامعه است. در این سند، وضعیت مطلوب و چگونگی رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب تصویر شده است. با توجه به این الگو، می‌توان گفت در ساختار برنامه توسعه همه‌جانبه کشور، مسایل فرهنگی، ارزشی، دینی و تحکیم خانواده وابسته به جامعه سالم و پویا، در گرو توجه به نقش و جایگاه زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی است. در این میان، بررسی چالش‌های اشتغال زنان گامی در نزدیک شدن به تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است.

مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (۹۰/۱/۱۴) با تأکید بر اینکه زن و خانواده از مسایل درجه یک کشور است، فرمود: «در خصوص زن و خانواده، منابع و تعالیم

اسلامی برجسته و متقنی وجود دارد که باید پس از تئوریزه شدن، به صورت نظریه‌های قابل استفاده در اختیار همه قرار گیرد». (حیدری شیخ‌طیقی، ۱۳۹۲، ۲/۸۰۶)

در کشور ما که زنان نیمی از توانمندی فکری جامعه‌اند، باز گذاشتن میدان برای بروز توانایی‌ها و شکوفایی استعداد‌های زنان با حفظ شخصیت و کرامت انسانی آنان و حفظ مصالح خانوادگی، ارزش بسیار دارد. اگر مشارکت زنان در محیط کار با سیاست‌های درست راهبردی همراه شود، کشور دچار کاهش زادوولد و پدیده پیر شدن جمعیت نخواهد شد. بنابراین، دولت‌ها باید برای بهره‌گیری کامل از استعدادها و توانایی‌های سرشار زنان، ضمن برداشتن موانع موجود بر سر راه مشارکت هر چه بیشتر زنان، مادران و همسران شاغل و موفق را در جامعه و در کنار مردان به کار گیرند. تدوین طرح جامع تفصیلی اشتغال زنان در نظام جمهوری اسلامی که با توجه هم‌زمان به شرایط کنونی و آینده جامعه، ویژگی‌ها و کارآمدی‌های زنان، آموزه‌های دینی و اهداف انقلاب اسلامی، طرحی کلان و جامع و قابل دفاع باشد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. (حیدری شیخ‌طیقی، ۱۳۹۲، ۲/۸۱۷)

۴. نتایج پژوهش

دین اسلام اشتغال زنان را تأیید کرده، ولی اصولی را برای این حضور بیان نموده که اگر زنان آن را مراعات کنند، از آسیب‌های بسیاری جلوگیری می‌شود. خطراتی حضور زن در جامعه را تهدید می‌کند که تضعیف بنیان خانواده از مهم‌ترین آنها است. در مقابل، برای این حضور فوایدی چون رشد شخصیت زن و کمک به اقتصاد و... نیز متصور است. بنابراین، اگر زنی بتواند با وجود آسیب‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی که او را تهدید می‌کند، با برنامه‌ریزی دقیق، خود را از این آسیب‌ها مصون دارد و وظایف مادری و همسری خود را به خوبی انجام دهد، فرهنگ ایرانی - اسلامی با حضور او در اجتماع مخالفتی ندارد. با توجه به نتایج ارزیابی اشتغال زنان و بیشتر بودن پیامدهای منفی آن، وضعیت مطلوب آن است که اشتغال زنان از اولویت مطلق خارج و بدون جانب‌داری، اصل اعتدال رعایت گردد.

برای حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب لازم است الگوی مطلوب اشتغال زنان با توجه به اهداف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و با توجه هم‌زمان به شرایط کنونی و آینده

جامعه، ویژگی‌ها و کارآمدی‌های زنان، آموزه‌های دینی و اهداف انقلاب اسلامی تدوین گردد. باید از ارزش‌ها و الگوهای غربی در مشاغل زنان پرهیز شود و معیارها و ارزش‌های اسلامی و ایرانی و فرهنگ و عرف جامعه در نگاهی جامع در شاخص‌های پیشرفت مورد توجه قرار گیرند و مطابق با آن، ارزش نقش همسری و مادری و اهمیت تربیت فرزندان و خانواده محوری (وضعیت مطلوب) احیا و فرهنگ‌سازی گردد. برای تحقق این هدف، پیشنهاد‌های راهبردی ذیل ارائه می‌گردد:

آموزش‌های متناسب با نیازهای جامعه و هماهنگ با ویژگی‌های زنان و تقسیم کار بین زن و مرد در نظر گرفته شود و مردان نیز در عین حفظ ریاست و مدیریت، در امور منزل و تربیت فرزندان همکاری نمایند. در هر حال نقش مرد در جایگاه رییس خانواده هیچ‌گاه نباید کم‌رنگ شود.

همچنین ضروری است نظام ارزش‌گذاری و سیاست‌های تبلیغی اعم از رسانه‌ها و مطبوعات برای تغییر نگرش افراد با هدف بالاتر نبودن مقام و شأن و منزلت زن شاغل نسبت به زن خانه‌دار و حمایت از جنبه مادری و خانه‌داری زن توسط دولت و نهادهای دیگر جامعه بستر سازی سالم را انجام دهند.

حضور زنان در اجتماع، فقط با اشتغال در بیرون از خانه محقق نمی‌شود و لازم است فرصت‌های شغلی جدید متناسب با روحیات بانوان ایجاد گردد. این امر می‌تواند با شرکت در گروه‌های مردم‌نهاد (NGO) و فعالیت‌های پژوهشی و امور مدیریتی و برنامه‌ریزی و یا توسعه سایر مشاغل خانگی انجام شود. البته نهادینه کردن این الگو نیازمند کارهای تربیتی و فرهنگی زیادی است. بر اساس رویکرد اسلامی، اگر زنان در بازار کار نیز شغلی نداشته باشند، با دانش خود، محیط خانواده را برای تربیت صحیح فرزندان آماده کرده، پیشرفت علمی و فرهنگی را به جامعه عرضه می‌کنند.

درباره مشاغل زنان (به خصوص زنان متأهل و زنان سرپرست خانواده) یا مواردی که حضور بانوان در آنها الزامی است، لازم است از الگوی اشتغال نیمه‌وقت (یا پاره‌وقت) استفاده شود (مگر اشتغال تمام‌وقت برای زنانی که از توانایی و قدرت برنامه‌ریزی بالایی برخوردار باشند) و تا حد امکان، ساعت‌های کاری آنان به شکلی تنظیم شود که حضور

مفید و پررنگی در خانه داشته باشند. دولت نیز باید براساس ضوابط و قواعد کلی اشتغال زنان، از نظر درآمدی چنین خانواده‌هایی را پشتیبانی نماید و تسهیلاتی در نظر بگیرد تا زن بتواند نقش‌های متعدّدش را به نحو احسن انجام دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۸). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مجلس.
۲. آرتیدار، طیبه (۱۳۷۹). قوانین و مقررات ویژه زنان - مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری. تهران: برگ زیتون.
۳. اسحاقی، حسین (۱۳۸۳). موانع، راهبردها و آسیب‌های مشارکت زنان. نشریه رواق اندیشه، ۳۳ (۴)، ۱۷-۱۹.
۴. امامی، حسن (۱۳۶۶). حقوق خانواده - حقوق مدنی. قم: انتشارات اسلامی.
۵. انصاری شیرازی، قدرت‌الله (۱۴۲۸). موسوعه الاحکام الاطفال و ادلت‌ها. قم: مرکز فقه الائمه اطهار.
۶. باقری، شهلا (۱۳۸۲). اشتغال زنان در ایران (درآمدی بر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در چهل سال گذشته). تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
۷. بختیاری، آمنه (۱۳۸۸). تأثیر اشتغال زنان بر خانواده. مجموعه مقالات اشتغال زنان، ۱۶۵-۲۰۳.
۸. تاجیک، بنت‌الهدی (۱۳۹۱). اشتغال زنان از دیدگاه اسلام. ماهنامه زمانه، ۱۱۱ (۱۱)، ۹۱-۹۳.
۹. جعفری، محمد تقی (بی‌تا). رسائل فقهی. قم: نرم‌افزار جامع فقه.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). زن در آیین جمال و جلال. قم: اسراء.
۱۱. حایری شاه‌باغ، سید علی (۱۳۷۹). شرح قانون مدنی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن (بی‌تا). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: آل‌البیت.
۱۳. حسینی یزدی، سید صادق (۱۳۸۱). شرح زندگانی حضرت آیت‌الله مؤسس و فرزند برومندشان آیت‌الله شیخ مرتضی حائری. قم: الماس.
۱۴. حلی، ابی‌القاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۱۵). شرائع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف علی بن مطهر (۱۴۱۱). تبصره المتعلمین فی احکام الدین. طهران: مؤسسه الطبع و النشر.
۱۶. حیدری شیخ طبعی، پروین (۱۳۹۲). جایگاه اشتغال زنان در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران، ۸۰۳-۸۱۷.
۱۷. خورسندیان، محمد علی (۱۳۹۰). وضعیت حقوقی اشتغال زوجین در قوانین موضوعه ایران و لایحه پیشنهادی حمایت خانواده. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۵۴ (۱۶)، ۵۲-۷۶.
۱۸. خوبی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). موسوعه الامام الخوئی. قم: نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت.
۱۹. خیری، یوسف (۱۳۸۵). اشتغال زنان و پیامدهای آن. نشریه بانوان شیعه، ۹ (۳)، ۱۶۱-۱۸۹.
۲۰. داعی پور، زینب (۱۳۷۰). بزهکاری زنان و عوامل مؤثر در آن. نشریه ندا، ۷ (۲)، ۲۳-۲۹.
۲۱. دشتی، محمد و همکاران (۱۳۷۲). نهج‌الحیة: فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۲۲. روشن، محمد، صادقی، محمد، و حسینی، فاضله سادات (۱۳۹۴). حق زوج بر اشتغال و رابطه آن با ریاست شوهر بر خانواده در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۶۲ (۲)، ۹۵-۱۲۲.
۲۳. روشن فر، مرضیه (۱۳۸۲). زن، اشتغال و مالکیت. تهران: برگ زیتون.
۲۴. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (گردآورنده) (۱۳۸۸). اشتغال زنان: عوامل، پیامدها و رویکردها. مجموعه مقالات و گفت‌وگوهای اشتغال زنان، ۲۱-۱۰۳.
۲۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
۲۶. شاطری، پرستو (۱۳۹۳). رویکردهای موجود در مورد نقش زنان در توسعه. تهران: اندیشکده روابط بین‌الملل.
۲۷. شیرودی، مرتضی (۱۳۸۵). اشتغال زنان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و جمهوری اسلامی ایران. نشریه بانوان شیعه، ۹ (۳)، ۱۲۳-۱۶۰.
۲۸. صدرنوبی، فاطمه (۱۳۸۱). بررسی تاریخی موقعیت شغلی زن ایرانی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۳۵ (۲ و ۱)، ۳۱۹-۳۳۶.
۲۹. صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۷۵). اشتغال زنان. نشریه پیام زن، ۴ (۵)، ۱-۱۸.
۳۰. الصراف، شیماء (۱۳۸۰). اشتغال زنان از نگاه قرآن و سنت و نظر فقهای گذشته و حال. مترجم: امینی، عبدالله. نشریه پیام زن، ۸ (۱۰)، ۲۳-۲۴.
۳۱. صفارنیا، محیا (۱۳۸۹). رویکرد اسناد بین‌المللی به اشتغال والدین و نهاد خانواده. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۵۳ (۱۵)، ۵-۲۲.

۳۲. طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۶). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۳۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۲). المیزان. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۶). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی. تهران: کانون انتشارات محمدی.
۳۵. طباطبایی بزدی، محمد کاظم (۱۴۰۹). عروة الوثقی. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶). مجمع البیان. بیروت: دارالمعرفه.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. عظیم زاده اردبیلی. فائزه (۱۳۹۱). اشتغال و مالکیت زنان، حقوق مالی و اقتصادی خانواده. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۹. علسوند، فریبا (۱۳۹۰). زن در اسلام. قم: نشر هاجر.
۴۰. قائمی، علی (۱۳۶۸). تشکیل خانواده در اسلام. تهران: انتشارات امیری.
۴۱. قدیر، محسن (۱۳۸۰). اشتغال زنان از منظر اسلام و غرب. مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان. اولویت‌ها و رویکردها. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۴۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). حقوق مدنی خانواده. تهران: شرکت انتشار.
۴۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر میزان.
۴۴. کله‌ران، ماریو (بی تا). روانشناسی مادران. مترجم: ایران دوست. تهران: نشر خاتون.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). الکافی. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر مقام معظم رهبری (۱۳۸۸).
۴۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. مترجم: صبوری، منوچهر. تهران: نشر نی.
۴۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: الوفا.
۴۹. محتشمی، بتول (۱۳۷۸). اشتغال زنان، بایدها و نبایدها. نشریه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۳ (۱)، ۶۵-۸۱.
۵۰. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۲). بررسی فقهی حقوقی خانواده. تهران: نشر علوم اسلامی.
۵۱. محمدی، علی (۱۳۹۳). مجموعه مقالات سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران.
۵۲. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۳). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث. قم: کتابخانه مدرسه فقاہت.
۵۳. مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰). زنان. توسعه و تعدد نقش‌ها. تهران: انتشارات برگ زیتون.
۵۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
۵۵. مغنیه، محمد جواد (۱۹۶۵). الفقه علی المذاهب الخمسه. بیروت: دارالعلم.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۵۷. ملک زاده، فهیمه (۱۳۸۹). حق زوجه پر اشتغال و رابطه آن با حق زوج بر تمکین. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۵۳ (۱۵)، ۱۳۹-۱۶۱.
۵۸. موسوی الخمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵۹. موسوی الخمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۹). تحریر الوسیله. نجف الاشرف: نشر آداب.
۶۰. نجفی، محمد حسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. قم: نرم افزار جامع فقه اهل بیت.
۶۱. نوری، حسین (بی تا). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: نرم افزار جامع فقه.
۶۲. نیک فرجام، زهره (۱۳۹۲). جهاد زن با رویکردی بر جهاد اقتصادی. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۱۲۱ (۱۸)، ۱۴۳-۱۲۱.
۶۳. هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۸۵). اشتغال زنان و مصلحت خانواده در قانون مدنی. نشریه کتاب زنان، ۳۴ (۹)، ۴۶-۷۰.